



RS

آمریکا مناقشات چین و فیلیپین  
را تشدید می‌کند

مناقشه دریایی فزاینده بین چین و فیلیپین که با تنش‌های ماریچ آمریکا و چین همراه شده، دریای چین جنوبی را تهدید می‌کند. پس از رویارویی‌های ادامه‌دار در دریای چین جنوبی از جمله اتهاماتی که کشتی‌های چینی یک کشتی گارد ساحلی را مورد هدف قرار دادند و به یک کشتی بارگیری کالاهای اساسی گلوله‌های آب شلیک شد، وانگ یی، وزیر امور خارجه چین در ۲۰ دسامبر به انریکه مانولو، همتای فیلیپینی خود هشدار داد: «روابط چین و فیلیپین بر سر یک دوراهی قرار گرفته است.» وانگ یی به مانولو گفت، اگر فیلیپین «با نیروهای بدخواه خارجی تباتی کند تا به ایجاد مشکل و هرج و مرج ادامه دهد» چین «قطعاً از حقوق خود دفاع می‌کند و قاطعانه پاسخ خواهد داد.» هشدارهای وانگ پس از اعلام فریدیناند مارکوس جونیور، رئیس‌جمهور فیلیپین در اوایل سال جاری بود که گفته بود، دولت او در حال بررسی یک پیمان امنیتی سه‌جانبه با آمریکا و ژاپن است.

فیلیپین و متحد هم‌پیمان آن، ایالات متحده، بارها چین را به آزار و اذیت کشتی‌های فیلیپینی در دریای چین جنوبی متهم کرده‌اند. جی تارلا، سخنگوی کارگروه ملی برای غرب دریای فیلیپین، درست پس از رویارویی در نزدیکی کشتی توماس شول دوم در اوایل ماه گفت: «ما برای بار دیگر اقدامات بی‌دلیل اعمال زود و مانورهای خطرناک غیرقانونی چین را علیه یک ماموریت چرخشی و تدارکاتی مشروع و معمول فیلیپین محکوم می‌کنیم.» متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه در بیانیه خود در ۱۰ دسامبر گفت: «این اقدامات نهنه‌نشان‌دهنده بی‌توجهی بی‌پروا به امنیت و معیشت فیلیپینی‌ها بلکه به قوانین بین‌المللی است.» میلر افزود:

«ایالات متحده در برابر این اقدامات

خطرناک و غیرقانونی در کنار

متحدان فیلیپینی خود می‌ایستد. ما

مجدداً تأیید می‌کنیم، ماده ۴ پیمان

۱۹۵۱ دفاع متقابل ایالات متحده و

فیلیپین شامل حملات مسلحانه به

نیروهای مسلح، کشتی‌های عمومی

یا هواپیماهای فیلیپین، از جمله گارد

ساحلی آن، در هر نقطه‌ای از دریای چین

جنوبی می‌شود.»

چین که مدعی حاکمیت بر بیشتر

دریای چین جنوبی است، قبلاً کشتی‌های

گارد ساحلی فیلیپین را به تجاوز به آنچه

آب‌های چین توصیف می‌کند، متهم کرده بود.

حکم یک دادگاه دائمی داوری در سال ۲۰۱۶

حاکمی از آن بود، ادعاهای دریایی چین در دریای

چین جنوبی از نظر قانونی بی‌اساس است. پکن

که حکم دادگاه را «بی‌اساس و طبیعتاً ارزش

و بی‌اعتبار» خوانده بود، همچنان از ادعاهای

توسعه‌گرا خود قاطعانه دفاع می‌کند. در تشدید

مناقشه چین با مانیل و بلطیم متحدان، یعنی آمریکا،

چه چیزی در معرض خطر قرار می‌گیرد؟ سرنگ

شیدور، مدیر برنامه کشورهای در حال توسعه در OI با

اشاره به اینکه مشکلات حل نشده درباره وضعیت تایوان

برای پکن اهمیت بیشتری دارد، می‌گوید: «به‌نظر من

خیلی هادر جنوب شرق آسیا از میزان سخت‌گیری چین

در این موضوع گیج شده‌اند.» شیدور می‌گوید: «دریای

چین جنوبی، این ویژگی‌ها و جزایر کوچک، پتانسیل

اقتصادی شان نسبتاً کوچک است، ماهیگیری هم انجام

می‌شود اما هیچ کدام از این‌ها به سطحی نمی‌رسد

که فکر کنید چین با طرح ادعای بسیار گسترده‌تر به

خطر می‌افتد.» لاین گلدشتاین، مدیر تعامل آسیا در

اولویت‌های دفاعی می‌گوید: «در سراسر جهان، حتی

بین متحدان اختلافاتی در زمینه ماهیگیری و دریایی

وجود دارد. ما یک مناقشه بزرگ ارضی دریایی با کانادا

داریم... فرانسه و بریتانیا همیشه بر سر ماهیگیری

درگیر هستند.» لاین می‌گوید: «این اتفاقی عادی بین

کشورهای دوست است.»

نزاع چین و فیلیپین تنها صحنه منازعات ادامه‌دار

دریایی در پکن نیست اما به دلیل آمادگی مانیل در مقابله

با تاکتیک‌های اعمال فشار چین شدت بیشتری گرفته

است. شیدور می‌گوید، پکن با وجود ادعاهای متناقض

دریایی با مالزی و ویتنام وارد درگیری نشده است زیرا بعید

است این دو کشور از این رخدادها مسئله‌ای بسازند. آنها

حتی درباره این مسئله صحبت هم نمی‌کنند. به گفته

شیدور دلیل تمایل این کشورها به حفظ روابط اقتصادی

با چین برمی‌گردد که باعث می‌شود برخی هزینه‌ها را

پذیرند. به گفته شیدور فیلیپین نسبت به بقیه کشورها

زیورکرد سختگیرانه‌تری نسبت به پکن در دریای چین

جنوبی اتخاذ کرده که تا حدی به دلیل حضور آمریکا در

منطقه و تعهد اتحاد آنهاست. به همین ترتیب این مسئله

فقط مسئله چین و فیلیپین نیست بلکه مسئله چین و

آمریکا هم هست و این زمانی است که همه چیز از دیدگاه

چینی‌ها تغییر می‌کند.

## اردن روی لبه تیغ

## جنگ اسرائیل در غزه، پادشاهی هاشمی اردن را بین روابط خارجی و احساسات افکار عمومی گرفتار کرده است

که از پیش هم ضعیف بوده، آسیب می‌زنند. به‌سختی می‌شود دید اردن چطور می‌تواند این وضعیت را درست کند و فقط اردن هم در این موقعیت نیست. بسیاری از کشورهای عربی با امضای معاهدات صلح با اسرائیل خود را در مقابل مردمان‌شان قرار داده‌اند؛ از مصر که در سال ۱۹۷۸ توافقات کمپ دیوید و در سال ۱۹۷۹ توافق صلح کامل را امضا کرد و اردن که معاهده‌اش را در سال ۱۹۹۴ امضا کرد، تا امضاکنندگان جدیدتر توافقات عادی‌سازی اقتصادی در حاشیه خلیج [فارس]، امارات متحده عربی و بحرین و نیز عربستان سعودی در مسیر توافقات، از همین نوع است. از این رو، خارج از میدان جنگ، کشورهایی که در منطقه بیشتر آسیب مستقیم را از درگیری‌ها می‌بینند، متحدان ایالات متحده و اسرائیل هستند، دقیقاً به خاطر فشار شدیدی که در برقراری تعادل بین خواسته‌های داخلی و بین‌المللی وجود دارد. آخرین باری که چنین تقابلی بین رهبران و مردم در خاورمیانه دیدیم، در دوران بهار عربی بود که پیامدهای بلندمدت‌ش، هم برای منطقه و هم برای بقیه دنیا، فاجعه‌بار بود. یک مقام ارشد عرب به «نیو لاینز» می‌گوید، این کشور «دارد روی یخ بسیار نازکی راه می‌رود.»

ملک حسین، پادشاه محبوب و بلندمدت قبلی، پیشگام فرایند صلح دهه ۱۹۹۰ در کنار برادرش حسن بود که آن زمان ولیعهد بود. معاهده آن‌ها که در سال ۱۹۹۴ امضا شد، به‌رغم لحظات پرتنش بسیار و چالش‌هایی از همه سو، تا امروز دوام آورده است. خوش‌بینی‌ها، با تزور اسحاق رابین، نخست‌وزیر اسرائیل توسط یک راست‌گرای افراطی اسرائیلی در سال ۱۹۹۵، شروع به کاهش کردند اما از بین نرفتند. در سال ۱۹۹۷، اتفاقی شش‌گانه‌کننده در مرز افتاد. یک سرباز اردنی به نام احمد دقاسمه، به روی گروهی نوجوان اسرائیلی در یک اردوی مدرسه آتش گشود؛ ۷ نفر را کشت و پنج نفر دیگر و معلم‌شان را مجروح کرد. این موضوع می‌توانست نافوس مرگ فرایند صلح باشد، اما ملک حسین به اسرائیل سفر کرد و با خانواده‌های داغدار دیدار کرد و زانو زد تا از طرف خودش و از طرف کشورش، تسلیت بگوید. این اقدام بیش از هر مذاکره رسمی روابط بین دو طرف را مستحکم کرد و نشان داد رهبری اخلاقی بر پایه انسانیت چه دستاوردی دارد. چنان‌که شاهزاده حسن، برادر حسین، چندین بار نوشته است، بدون امنیت انسانی امنیتی در کار نیست: انسانیت باید در مرکز سیاست باشد و گر نه سیاست تا کام خواهد بود.

اما اردن حالا در موضع سیاسی بسیار متفاوتی است؛ نسبت به هر زمانی در دوران این درگیری بلندمدت. معاهده صلح با اسرائیل حالا بدیهی حساب می‌شود و توافقات عادی‌سازی جدید بین کشورهای ثروتمندتر عرب و اسرائیل در مرکز توجهات هستند. اول، امارات متحده عربی و بحرین توافقات ابراهیمی را در سال ۲۰۲۰ امضا کردند و بعد عربستان سعودی در همین مسیر به سمت برقراری ارتباطات اقتصادی حرکت کرد. یک ایده شایع این است که یکی از اهداف حماس در حمله ۷ اکتبر اختلال در این بهبود روابط بود، گرچه به نظر نمی‌رسد این به دست آمده باشد.

پادشاهی هاشمی، به جز اینکه نام و هویتی به کشور می‌دهد، مشروعیت مذهبی هم اعطا می‌کند، چون اعضای این خانواده خود را نوادگان مستقیم پیامبر [اسلام] محمد [ص] می‌خوانند و این بخشی از علت اعطای توییت مکان‌های مقدس مسلمانان در اورشلیم [بیت المقدس] در معاهده صلح ۱۹۹۴ بود. این نقش برای خانواده سلطنتی مهم است. شایعاتی هستند که عربستان سعودی خواستار توییت همین مکان‌ها به‌عنوان بخشی از توافق عادی‌سازی خودش است و این خواسته، این اعتبار مذهبی و سیاسی پادشاهی هاشمی را تهدید می‌کند. باز، اردن خود را در معرض تهدید احساس می‌کند، بدون حفاظت متحدانی که قول حمایت به او داده بودند.

برای خانواده سلطنتی و نیز برای بیش از نیمی از جمعیت اردن، موضوع شخصی است. ملکه رانیا، اصلیت فلسطینی دارد؛ یعنی شاهزاده حسین، ولیعهد و در نتیجه پادشاه بعد از این، میراث فلسطینی دارد. هر دوی این‌ها، بعد از شروع بمباران غزه علناً

اردن مدتی است در اعتصاب است: فروشگاه‌ها خالی‌اند؛ ویتترین مغازه‌ها بسته است، کافه‌ها رها شده‌اند، گروه‌های شبکه‌های اجتماعی، در پژواک فشار بسته نگه داشته‌ی کسب‌وکارها و در خانه‌نگه‌داشتن بچه‌های مدرسه‌ای‌اند. یک مادر در گروه واتس‌آپی کلاس فرزندانش می‌گوید: «ولی امتحان دارند.» دیگری پاسخ می‌دهد: «بابت آرمان ارزشش را ندارد؟»

آرمان، جنگ دنباله‌دار اسرائیل علیه غزه است که حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر کلیدش را زده است. بیش از نیمی از جمعیت اردن، فلسطینی هستند. آن‌هایی که خودشان فلسطینی نیستند، دوستان، همکاران و خانواده‌هایی دارند که در اردن حضور دارند. احساسات عمومی، علنی بیان می‌شود؛ متحد است و بادوام، در میان همه گروه‌های جمعیتی. اعتراضات بیرون مسجد الکلوئی نزدیک سفارت اسرائیل در روزهای آغازین بمباران غزه شروع شدند و هر شب تا امروز ادامه داشته‌اند. پایکوت برنده‌های غربی از قبیل استارباکس و مک‌دونالد باعث شده اینجا کسی غیر از کارکنان بیکار نباشند. اعتصابات، تازه‌ترین و تا اینجای کار شدیدترین نمود احساسات عمومی هستند. در قلب این خشم، موضع جامعه جهانی است. حمایت بی‌قیدوشرط ایالات متحده از جنایات اسرائیل علیه جمعیت غزه، یعنی شعارها و پست‌ها همان قدر که ضداسرائیلی‌اند، ضدآمریکایی هم هستند. یکی از بنزهای شبکه‌های اجتماعی با این مضمون است: «آمریکا رأس تئوریسم است.»

این رویه، رهبران اردن را در گرفتاری غیرقابل‌عبوری قرار می‌دهد. اردن در مقابل دریافت کمک‌های قابل‌توجه نظامی و توسعه‌ای، مدت‌ها برای جامعه جهانی شریک صلح بوده است اما درحالی‌که همه حامیان مالی عمده کشور از حمایت از اسرائیل می‌گویند، مردم در حمایت از فلسطینیان زیر بمباران، متحد هستند. این اعتصابات تهدیدات بیشتری بر ثبات مشهور اردن هستند، در فضایی که طبقات متوسط و بالا، پیشران اقتصاد اردن، همه در حال مشارکت هستند و به اقتصاد اردن



لیدیا ویلسون

کارشناس خاورمیانه در دانشگاه کمبریج و کارشناس مرکز حل اختلاف دانشگاه آکسفورد

